



بازپژوهی تاریخچه موقوفات معصومین (علیهم السلام)

دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۸

مجید خرسندی^۱

چکیده

وقف و اعمال خدایسندانه مشابه آن، از دیرباز و قبل از اسلام به اشکال گوناگون در تاریخ بشر و در میان پیروان تمام ادیان آسمانی وجود داشته است به طوری که صومعه‌ها، معبد‌ها، آتشکده‌ها، کاهنان و موبدان از منافع این وقفیات اداره می‌شده‌اند. امت‌ها با اختلاف ادیان و شرایع با انواعی از تصرفات مالی آشنا بودند که از حیث مفهوم دور از حدود معنای وقف اسلامی نیست. این جستار با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به تاریخچه موقوفات حضرات معصومین (علیهم السلام) در دین مبین اسلام است.

دسته‌بندی منطقی و آگاهی از وجود پیشینه موقوفات معصومین (علیهم السلام) در دین مبین اسلام هدف این جستار برای ترغیب و زمینه‌سازی گسترش فرهنگ غنی وقف در جامعه برای بهرمندی از برکات فراوان آن است. بنا بر یافته‌های این پژوهش، سنت حسنه وقف از اول خلقت بشریت همراه با ایشان بوده اگرچه در ادیان گذشته در قالب اعمال و اشکال شبیه به عمل وقف بوده؛ اما اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی، هدفدار، مترقی و دقیق قرار داده است. با بیان مصادیق بارز آن در طول تاریخ اسلام همراه با مستندات روایی و تاریخی نیل به هدف مذکور میسر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخچه وقف، موقوفات، ائمه معصومین (علیهم السلام)، صدقه جاریه.

۱. مقدمه

امروزه کشور ما با معضلات و مشکلات متعددی از جمله مشکلات اقتصادی روبه‌روست که دولت به‌تنهایی قادر به رفع آن‌ها نیست. بلکه این خود مردم هستند که با تلاش و کمک خود می‌توانند در حل مشکلات، دولت را یاری کنند. یکی از عوامل برطرف کننده مشکلات و معضلات به‌ویژه مشکلات اقتصادی، موقوفاتی است که مردم انجام می‌دهند. باید اذعان داشت که وقف در رسیدن به تعادل اجتماعی، اقتصادی و پیشرفت فرهنگی کمک شایانی به جامعه می‌کند؛ بنابراین پرداختن به بحث و موضوع وقف به‌ویژه پیشینه تاریخی آن با عقبه‌ای به بزرگی طول خلقت آدمی از اهمیت والایی برخوردار است.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که پیشینه موقوفات معصومان (علیهم السلام) به چه زمانی باز می‌گردد و چه موقوفاتی در تاریخ برای معصومان (علیهم السلام) ثبت شده است؟ برای نیل به این هدف، اسناد تاریخی و روایی در این زمینه بررسی و تحلیل شده است. در این فرایند، با بهره‌گیری از منابع تاریخی و بررسی روایات معصومان (علیهم السلام) به وجود نهاد وقف و اعمال نیک شبیه آن، در طول تاریخ بشریت قبل از اسلام و پس از اسلام پی برده و با تحلیل منابع مذکور به اثبات هدف پیش گفته نائل شده است.

مباحثی مربوط به تاریخ وقف در شماری از نوشتارها به‌صورت عمومی یا جزئی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه پایان‌نامه‌ای با عنوان «وقف و سازمان اداری آن از ایران باستان تا حال»، نوشته هادی خلعتبری تنکابنی (۱۳۵۰-۱۳۵۱)، به رشته تحریر درآمده که بیشتر به مباحث اداره موقوفات پرداخته است. ابوالقاسم آخته (۱۳۸۸) در مقاله «تاریخ وقف در ایران و اسلام» به بحث وقف فقط پس از اسلام پرداخته است بدون اینکه به بخشی از موقوفات که قبل از اسلام وجود داشته توجهی شده باشد.

با وجود همه این تلاش‌ها، نوشتار مستقلی که تاریخچه موقوفات معصومان (علیهم السلام) را به‌صورت منسجم بررسی کرده باشد، یافت نمی‌شود. نوشتار حاضر با درک این کاستی، در پی شناسایی موقوفات معصومان (علیهم السلام) در تاریخ اسلام است. به این منظور، در گام اول، پیشینه وقف پیش از اسلام باز خوانی شده است. در گام پسین به تاریخچه موقوفات

معصومان (علیهم السلام) در اسلام پرداخته شده است.

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی وقف

۲-۱. تعریف لغوی

وقف در لغت چند معنا دارد. از جمله سکون و بی حرکت شدن «وَوَقَفَتِ الدَّابَّةُ» یعنی چهارپا متوقف شد. مصدرش «وقف» و «وقوف» است. چنان که در معجم مقاییس اللغة آمده است: اصل واحدی است که دلالت بر توقف در یک چیز، سپس اندازه گیری در برابر آن دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج: ۶: ۱۳۵). معنای دیگر وقف، حبس کردن است. «حَبَسْتُ الدَّارَ وَقَوْفًا» یعنی در راه خدا خانه مسکونی ام را حبس کردم. از باب تسمیه به مصدر گاهی به جای کلمه موقوفه از واژه وقف استفاده می شود که جمع اش «اوقاف» می شود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج: ۲: ۶۶۹). در کتاب قاموس قرآن نیز به این معنا اشاره شده: وقف، حبس شدن و حبس کردن متوقف شدن و متوقف کردن است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج: ۷: ۱۳۵).

معنای سومی هم برای وقف ذکر شده است. وقف به معنای ایستادن، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، و قوف یعنی اقامت کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج: ۲: ۳۱۴) همچنین در لسان العرب در ماده «وقف» توضیح می دهد که وقف به معنای وقوف بر ضد جلوس است. هرگاه کسی در مکانی بایستد می گویند: «وَوَقَفَ» و جمع آن «وَوُقُوفٌ» و «وَوُقُوفٌ» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۹: ۳۵۹). اگر در این سه معنی دقت شود، مشخص می شود که هر سه به یک معنا بر می گردند و آن عبارت از سکون و عدم حرکت در مقابل حرکت و تحرک است. به عبارت دیگر، گوهر معنایی این سه کاربرد را در مفهوم استقرار می توان ارزیابی کرد.

۲-۱-۱. تعریف اصطلاحی

شیخ طوسی در تعریف وقف می فرماید: «الوقف تحبیس الاصل و تسبیل

المنفعة» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۸۶). وقف نگه داشتن اصل ملک و جاری ساختن منفعت است. تحبیس: از ماده حبس به معنی سلب آزادی است. واضح است که با وقف شدن ملک، آزادی هر گونه نقل و انتقال از قبیل بیع، هبه، ارث و ... که موجب تلف و از بین رفتن خود مال شود از آن گرفته می شود (ر.ک: عاملی، ج ۹: ۲). و تسبیل: در راه خدا آزاد گذاردن است، یعنی جواز و اباحه هر گونه تصرف برای مستحق آن، مثل سائر اموالش است (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۲۸). ابن ادریس در سرائر و شهید اول در لمعه مشابه شیخ طوسی در المبسوط وقف را تعریف کرده اند (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۲۳۱؛ شهید اول: ۸۷). محقق حلی در شرایع و صاحب جواهر در جواهر الکلام وقف را با مقداری تغییر چنین تعریف کرده اند: «الوقف عقدٌ ثمرته تحبیس الأصل و اطلاق المنفعة» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۴۲؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۸). وقف عبارت است از قرارداد و عقدی که حاصلش نگه داشتن اصل مال و آزاد کردن ثمره و منفعتش است. اطلاق: به معنای رها کردن یعنی جواز و اباحه هر گونه تصرف در جهت مال موقوفه در مقابل حبس است (ر.ک: عاملی، ج ۹: ۲).

علامه حلی نیز در قواعد، صاحب عروه در عروة الوثقی مشابه عبارت محقق نوشته اند: «الوقف عقدٌ یفید تحبیس الأصل و اطلاق المنفعة» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۸۷؛ یزدی، ۱۴۲۳ق، ج ۶: ۲۷۹). وقف عبارت است از قرارداد و عقدی که فایده اش نگه داشتن اصل مال و آزاد کردن ثمره و منفعتش است.

با بررسی تعریف های فوق این نکته روشن می شود که تمام تعریف ها به موضوع واحدی اشاره دارند و از نظر مفهوم مشترک اند، چرا که گوهر معنایی تمام این تعاریف در مفهوم حبس عین و رهاسازی منفعت نهفته است.

۲-۲. تفاوت وقف و صدقه

فرق بین وقف و صدقه از مسائلی است که اشاره به آن در بحث پیش رو ضرورت دارد. با نگاهی اجمالی به آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) واضح می شود که در لسان قرآن و سنت،

اغلب از وقف به صدقه یا صدقه جاریه تعبیر شده است. با مراجعه به احادیث اهل بیت این نکته روشن می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۷۲؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۹۸؛ همان، ۱۳۶۴، ج ۹: ۱۳۱ و ۱۳۲؛ یزدی، ۱۴۲۳ق، ج ۶: ۱۸۴).

چنان که در وقفنامه‌های معصومین (علیهم السلام) از جمله امیرالمومنین چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما تصدق به علي بن ابي طالب وهو حى سويّ: تصدق بداره التي في بني زريق، صدقة لا تباع ولا توهب حتى يرثها الله الذي يرث السماوات والأرض...» (ابن بابويه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۴۸) این چیزی است که علی بن ابی طالب در حال حیات و سلامت خود آن را وقف کرده است، او خانه خود را که در محله بنی زریق واقع است، به صورت وقفی درآورده است که به فروش نمی‌رود و بخشیده نمی‌شود و به ارث برده نمی‌گردد تا وقتی که خدای وارث آسمان‌ها و زمین آن را به ارث ببرد...

همچنین احادیث فراوانی که درباره فضیلت وقف کردن از معصومین وارد شده و در آن‌ها از وقف به عبارت صدقه جاریه تعبیر شده است؛ چنان که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنِ ثَلَاثٍ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَعِلْمٍ يُتَّفَعُ بِهِ بَعْدَهُ وَصَدَقَةٍ جَارِيَةٍ» (شعیری، ج ۱: ۱۰۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۲۳۰). حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: چون فرزند آدم از دنیا برود اعمالش منقطع می‌شود مگر از سه چیز: فرزندی صالح که برای او دعا کند و علمی که مردم از آن استفاده کنند و صدقه جاریه.

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده: «سِنَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَكَدَّ يَسْتَعْفِرُ لَهُ وَمُصْحَفٌ يُخْلَفُهُ وَعَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَقَلِيبٌ يَحْفِرُهُ وَصَدَقَةٌ يُجْرِبُهَا وَسُنَّةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۵۷)؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: شش چیز بعد از وفات مؤمن به او فایده دهد: فرزندی که برایش طلب آمرزش کند، قرآنی که به جای گزارده، درختی که کاشته، چاه آبی که حفر نموده، صدقه جاریه‌ای که داده، سنت حسنه‌ای که بعد از او به آن عمل شود.

غیر از احادیث مذکور، روایات فراوان دیگری دلالت دارد که منظور از عبارت صدقه یا صدقه جاریه همان وقف است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۷۲، ج ۲ و ۳ و ۴: ۱۰۷).

چنان که بعضی علما به این مطلب تصریح کرده اند. از جمله مرحوم بحرانی در حدائق الناضره می فرماید:

«لا يخفى على من له أنس بالاخبار و من جاسّ خلال تلك الديار أن الوقف في الصدر الأول أعنى زمن النبي ﷺ و زمن الأئمة (عليهم السلام) إنما يعبر عنه بالصدقة» (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۲: ۱۲۸). بر کسی که با روایات معصومین (علیهم السلام) انس دارد و در آن فضا جست و جوی کند پوشیده نیست که در صدر اسلام یعنی زمان پیامبر اکرم ﷺ و زمان ائمه هدی (علیهم السلام) از وقف تعبیر به صدقه می کردند.

۲-۳. اقوال درباره سابقه وقف قبل از اسلام

درباره اینکه آیا قبل از اسلام هم وقف و موقوفات در ادیان و ملت‌ها وجود داشته یا خیر دو نظریه وجود دارد.

نظریه اول: وقف در امت‌های پیش از اسلام وجود نداشته است.

شافعی در این باره قائل است: وقف از اموری است که مختص به اسلام است و سابقه‌ای قبل از آن ندارد. چنان که در کتاب الام خود نوشته است: «لم يحبس اهل الجاهلية-فيما علمت- داراً ولا ارضا بحبسها و انما حبس اهل الاسلام» (شافعی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳: ۲۷۵؛ بکری، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۱۵۶)؛ بنابراین وقف در نزد ایشان مختص به اسلام است.

یا ابن مرتضی گفته است: «ولم يكن في الجاهلية وقف على الوجه المشروع، بل السائبه، والبحيرة، والوصيلة، والحامى، قال تعالى (مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ)» (مائده، ۱۰۳؛ بزار، ۱۹۸۸ م، ج ۲: ۱۵۲) خداوند، درباره هیچ بحیره^۱ (حیوان گوش شکافته) و

۱. بحیره: شتری که گوش آن را شکافته و رها می کردند و به آن سوار نمی شدند و گوشتش را حرام می دانستند و آن در صورتی بود که پنج پجه بزیاید و پنجمی نر باشد. بحر به معنی شکافتن است. «بحر اذن الناقة: شقها شقا واسعا» (طبرسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳: ۳۸۸؛ قرشی، ۱۴۱۲ ق: ۱۸۵ و ۱۸۶).

هیچ سائبه^۱ (حیوانی که به خاطر زاد و ولد زیاد او را آزاد کرده اند) و هیچ وصیله^۲ (حیوان نری که متصل به ماده، دو قلوبه دنیا آمده باشد) و هیچ حام^۳ (شتر نری که ده بار برای جفت گیری از آن استفاده شده باشد) حکمی نکرده است ولی کافران بر خدا دروغ می بندند و بیشتر آنان اهل تعقل نیستند.

ابن حزم نوشته است: «انَّ العرب لم يعرف فی جاهلیتها الحبس» (ابن حزم، ج ۲: ۲۱۶ و ۲۷۵)؛ اعراب در زمان جاهلیت چیزی به عنوان حبس (اموال) نمی شناختند. ابن الرشد در المقدمات می نویسد: «لا یعرف الجاهلی حبس داره علی ولده او فی وجه من الوجوه المقرب بها الی الله تعالی و انما فعلت الجاهلیت بحیزرة و سائبة و وصیلة و حامی» (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۵ ق، ج ۴: ۲۵۰)؛ جاهلیت خانه را برای فرزند خود یا یکی از وجوه قربت حبس و وقف نمی کرد بلکه جاهلیت بحیره و سائبه و وصیله و حامی می کرد.

بعضی دیگر آورده اند: «الوقف غیر موجود ایضا فی شریعة التوراة و لا فی المسیحیة» (همان)؛ وقف در شریعت تورات (حضرت موسی) و مسیحیت وجود ندارد. نظریه دوم: وقف در امت های پیش از اسلام وجود داشته است.

وقف سنت حسنه ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشر و ادیان آسمانی وجود داشته است، این عنوان، قبل از اسلام در بین پیروان تمام ادیان و شرایع وجود داشته است و اداره صومعه ها، معبدها، آتشکده ها، زندگی موبدان، کاهنان و اسقف ها، از عایدات و منافع موقوفات بوده است (انصاف پور، ۱۳۵۵، ج ۱: ۳۳).

۱. سائبه: ترک کردن و جریان. سائبه شتری است که مشرکان نذر می کردند در صورت آمدن مریض یا شفای بیمار آن را به سر خود رها کنند (طبرسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳: ۳۸۸؛ قرشی، ۱۴۱۲ ق: ۱۸۵ و ۱۸۶).

۲. وصیله: وصل چسبانیدن و لاحق کردن. گوسفندی که دو بچه نر و ماده توأم می زایید آن را وصیله می گفتند. در میان مشرکان رسم بود اگر گوسفند بچه ماده می زایید، برای مشرکان بود و اگر نر می زایید، برای خدایان ذبح می کردند و اگر دو بچه نر و ماده می زایید، می گفتند ماده به برادرش وصل است، آن را برای خدا ذبح نمی کردند (همان).

۳. حام: شتر نری که از نطفه آن ده شتر به وجود آمده بود، آن را حام می گفتند که یعنی پشت خود را نگهداری و قرق کرده است. به چنان شتری سوار نمی شدند و چیزی بار نمی کردند و از آب و علف منعش نمی نمودند (همان).

طبق منابعی که در دسترس است می‌توان اندیشه وقف را در سیره حضرت ابراهیم (علیه السلام) جست‌وجو کرد، به طوری که وقف‌های او همچنان موجود و شناخته شده است. ابراهیم خلیل (علیه السلام) ایمان خود را عملی نموده بود و هر کجا اقامت می‌گزید قربانگاهی برای پروردگار برپا می‌نمود و یک دهم از آن چه به دست آورده بود، تقدیم می‌کرد (شفیع العانی، ۱۳۷۵ ق: ۱۷۲). همچنین پژوهش‌های مربوط به امور خیریه در سرزمین‌های مسیحی نشین، نشان می‌دهد که برای پناهگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، دیرها و پرستشگاه‌ها موقوفاتی وجود داشته و این موقوفات تا قرن هفدهم میلادی یعنی تا دوران لوییس سیزدهم یک سوم فرانسه را در بر می‌گرفته و فقط با انقلاب فرانسه است که این وضع تغییر می‌کند، به طوری که با آمدن انقلاب، این موقوفات جزو اموال دولت شمرده می‌شود؛ اما دولت بعدها ناچار می‌شود نظام موقوفات خیریه را به نحوی وضع کند که میان برنامه‌های خیریه و مصلحت عمومی مردم سازگاری ایجاد کند (همان: ۴۲۶).

در ایران باستان مخصوصاً با ظهور زرتشت و دستورهای آسمانی او، ایرانیان بیشتر متوجه خدای واحد بوده و یکتاپرستی را رونق داده بودند و برای خدای واحد یا خدایان قربانی می‌کردند. البته قربانی کردن و به اصطلاح امروز نذر و نیاز دادن از چه تاریخی شروع شده است و به چه صورتی بوده بر ما پوشیده مانده؛ ولی آنچه از نوشته‌های مختلف موجود استنباط می‌شود، نذر و نیاز از زمان زرتشت پیدا شده و به آن عمل می‌کرده‌اند.

آنچه مسلم است این است که معابد و آتشکده‌های زردشتی و مخصوصاً نگهداری آتش مقدس منبع درآمد و عایدی داشته که مردم آن‌ها را وقف می‌کردند. چنان که روایتی از امام صادق (علیه السلام) در این باره نقل شده است:

«ابوالصحاری گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: شخصی خانه‌ای خریده است و از آن حیاطی مانده که شخص آن را انبار غله ساخته است. آیا آن را می‌توان وقف مسجد کرد؟ آن حضرت فرمود: همانا مجوس بر آتشکده‌های خود وقف می‌کنند» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۹: ۱۵۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۲۵۱). به علاوه جشن‌های مختلفی که در مواقعی

از سال مرسوم بوده و گرفته می‌شده مانند جشن سده^۱ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۶۶۳) و میرگان^۲ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۸۷۲) و نوروز و غیره، بلاشک از محل عوایدی که از طرف زردشتیان تامین می‌شده اداره می‌گردیده که اگر صورت وقف مخلص یا حبس موبد را نداشته صورت نذر و صدقات را پیدا می‌کرده است. از طرفی خود پیدایش ادیان آسمانی توسط انبیای عظام، مردم هر عصر را وادار به ساختمان معابد، آتشکده‌ها، قربانگاه‌ها می‌نموده و برای نگهداری این گونه اماکن، نذورات و صدقاتی مانند اوقاف امروزی وجود داشته تا به مصرف خیر یا عمران و آبادانی معابد برسد از جمله آتشکده معروف آذرگشسب در بلخ که می‌توان گفت دارای موقوفات و نذوراتی بوده یا آتشکده‌های یزد و کرمان از این قسم بوده است (خلتعبیری تنکابنی، ۱۳۵۰-۱۳۵۱: ۵۰). هر چند وقف و ایقاف در ایران باستان بر ما پوشیده مانده و فقط با حدس و قرینه و از روی وجود آتشکده و این که برای نگهداری آن‌ها احتیاج به منبع یا درآمد بوده‌اند، استنباط وجود وقف و ایقاف در آن ادوار می‌شود. لذا طبق این قراین می‌توان حدس زد که آتشکده معروف آذرگشسب در بلخ موقوفات و نذورات زیادی داشته است.

به هر حال آنچه محقق است ایرانیان قدیم مبادرت به خیرات و مبرات از راه‌های مختلف می‌کردند و می‌توان یقین پیدا کرد که در ایران باستان وقف و ایقاف وجود داشته است و از محل درآمدهای عین موقوفات آتشکده آباد و جشن‌های مختلف برپا می‌شده و علاوه بر این موبدان از این درآمدها امرار و معاش می‌کردند؛ چون این محل (آتشکده) کم کم رونق گرفت و سر و سامان پیدا کرد و ملجأ و پناهگاه اشخاص فقیر و نیازمند شد که در شب‌های سرد زمستان به آن محل مراجعه و خود را از سرما حفظ می‌کردند. به تدریج نوانخانه^۳ (همان: ۳۰۵۴) نیز در آن محل تشکیل شد.

یکی دیگر از مراسم زرتشت به نام گهنبار^۴ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۴۷۲) است. برای

۱. جشن سده، جشنی که ایرانیان قدیم در روز دهم بهمن می‌گرفتند و در شب دهم بهمن آتش بسیار می‌افروختند و بر گرد آن شادی می‌کردند.

۲. مهرگان یا جشن مهر در آیین زردشتی، جشن باستانی که پارسیان از روز ۱۶ تا ۲۱ مهرماه برپا می‌کردند.

۳. جایی است که از طرف شهرداری ناتوانان و فقیران و متکدیان را در آن نگاهداری می‌کنند.

۴. نام شش جشن که در ایران باستان در اوقات مختلف سال برپا می‌کرده‌اند.

انجام مراسم گهنبار اشخاص خیّر، زمین و ملک ویژه‌ای می‌دادند که در این صورت حق فروش آن را نداشتند و وراثت از درآمد آن ملک و آب تماماً برای انجام این مراسم استفاده می‌کردند. این ترتیب نسل به نسل ادامه پیدا می‌کرد و اگر خانواده‌ای مفلس شده یا بشود و بخواهد آن ملک را بفروشد باید به یک نفر زرتشت به این شرط بفروشد که خریدار مراسم گهنبار را به نام همان شخص که ملک را داده انجام دهد.

بدین ترتیب خیرات و مبرات و نذر سیر تدریجی تکامل خود را طی نموده و به صورت فعلی وقف در مذهب اسلام داخل شده است، کما اینکه در بعضی از شهرستان‌ها املاک وقفی وجود دارد که در دست زرتشتیان است و آن‌ها معتقدند که مربوط به زمان قبل از اسلام بوده و نیاکان آن‌ها همواره پیش‌قدمان کردار نیک بودند برای امور عام‌المنفعه اختصاص داده بودند که بعد از اسلام نیز به همان نحو باقی مانده و اکنون به نام وقف نامیده می‌شود. به این ترتیب می‌توان این قبیل رقبات را از قدیمی‌ترین موقوفات محسوب داشت.

به عنوان مثال در زمان فتح شهر شوش در مرقد مطهر حضرت دانیال (علیه السلام) سندی پیدا شد که برای پرداخت وام‌های بدون سود، اموالی در نظر گرفته بودند. خلیفه وقت، فرمان داد تا آن اموال به خزانه بیت‌المال انتقال پیدا کند و طبق مفاد مندرج در آن سند عمل شود (سپینتا، ۱۳۴۶ق: ۳۷۴).

در بین عرب‌های جاهلیت هم گاهی کسانی پیدا می‌شدند که گوسفندان یا شتران خود یا حتی گاهی فرزندان خود را در مقام وفای به نذر در پای بت‌ها قربانی می‌کردند و گوشت آن چهارپایان را بین مردم به ویژه نیازمندان تقسیم می‌نمودند (کببسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱-۲۳).

در این باره ابوزهره قائل است: «معنی وقف برای امت‌های قبل از اسلام نیز ثابت است، اگرچه با این اسم وقف نبوده دلیل آن این است که معبدها در آن زمان‌ها دایره و برپا بوده است و برپایی آن معابد جز با انفاق و کمک مردم امکان‌پذیر نبوده است و این جز همان معنای وقف نیست» (ابوزهره، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۵).

امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: «وقف حقیقت شرعی ندارد، بلکه امری عقلایی است که در میان پیروان کلیه ادیان مشترک است، بلکه بین غیر پیروان ادیان نیز مشترک است» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۸۱).

تدوین‌گر اصرار ندارد که موارد مذکور حتماً به‌عنوان وقف قلمداد شود و زیرمجموعه موقوفات لحاظ شود؛ چون هر عمل خیری لزوماً وقف نیست و رابطه وقف با امور خیریه و خدمات عام‌المنفعه عام و خاص مطلق و به تعبیری دقیق‌تر عام و خاص من وجه است؛ ولی می‌توان ادعا کرد بر بعضی از آن‌ها روح وقف صدق می‌کند.

۲-۴. اولین واقف در اسلام

دانشمندان مسلمان در تعیین نخستین صدقه در عالم اسلام، اختلاف نظر دارند و درباره اینکه چه کسی اولین بار ملک یا مالی را به صورت وقف و صدقه جاریه در راه خدا داده نظراتی بیان شده است؛ یک احتمال این است که اولین موقوفه اموال مخیریق یا باغ‌های آن مرد یهودی است که در جنگ احد در رکاب رسول خدا کشته شد و به درجه رفیع شهادت رسید. ابن کثیر در کتاب سیره النبویه از قول محمدبن کعب قرظی نقل می‌کند که اولین وقف در مدینه، اموال جناب مخیریق بوده است (ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۳: ۷۳). یک احتمال این است که اولین مسجدی که پیامبر بعد از ورودش به مدینه به کمک مسلمانان بنا نهادند مسجد قباست که یقیناً به صورت وقف ساخته و در اختیار مسلمانان قرار گرفته است. حال چه اموال مخیریق یا مسجد قبا را به‌عنوان اولین موقوفات بدانیم، به یقین می‌توان گفت که اولین واقف در اسلام کسی جز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیست که برای اولین بار این اموال را وقف کرده و در اختیار مسلمین قرار داده است (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۵۹۱؛ ر.ک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۷۶).

۲-۵. موقوفات معصومین (علیهم السلام)

مناسب است در اینجا به موقوفات بعضی معصومان (علیهم السلام) که در منابع اسلامی و تاریخ ثبت

شده است اشاره شود.

۲-۵-۱. موقوفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

۲-۵-۱-۱. باغ‌های مخیریق: اولین موقوفات در دین اسلام متعلق به زمین‌های جناب مخیریق است که ایشان با وصیت آن‌ها را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بخشید و حضرت آن‌ها را در سال هفتم هجری وقف کردند (منقری، ج: ۱۵۱). داستان از این قرار است که جناب مخیریق از بزرگان، عالمان و ثروتمندان یهود بنی نضیر بود. هنگامی که جنگ احد در گرفت رو به یهودیان کرد و گفت: آیا محمد را یاری نمی‌کنید؟ به خدا قسم که شما می‌دانید یاری کردن ایشان حق است. آن‌ها گفتند: امروز روز شنبه است (به خاطر تقدس امروز نباید جنگ کرد). مخیریق گفت از این پس شما شنبه‌ای ندارید. سپس شمشیرش را برداشت و به طرف جنگ احد برای یاری پیامبر شتافت. قبل از حرکت وصیت کرد اگر من کشته شدم تمام اموالم از آن محمد (صلی الله علیه و آله) است هر طور که صلاح بدانند در آن تصرف نمایند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مخیریق بهترین یهودی است.» و سپس اموال او را پذیرفت و آن‌ها را بر اولاد بنی هاشم وقف نمود و تولیت آن را پس از وجود مبارک خود به دختر بزرگوارش حضرت فاطمه (علیها السلام) واگذار فرمود. اموال مخیریق هفت مزرعه بودند، به نام‌های: میثب، صافیه، دلال، حسنی، برقه، اعواف و مشربه ام ابراهیم (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج: ۲۰: ۱۳۰؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱: ۲۶۲ و ۲۶۳؛ منقری، ج: ۳: ۱۵۱؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج: ۳: ۲۸۹؛ عسکری، ج: ۲: ۱۴۱).

۲-۵-۱-۲. زمین‌های بنی نضیر: اموال بنی نضیر که از طریق صلح به دست مسلمانان رسید با استناد به آیه ۷ سوره حشر جزو اموال خالص پیامبر و به عنوان «قوی» در اختیار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت. پیامبر بعضی از این زمین‌ها را بین مهاجرین تقسیم کرد و بعضی از آن‌ها در دست پیامبر اکرم ماند که آن‌ها را به عنوان صدقه (وقف) قرار داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج: ۱: ۱۹۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۰؛ ابو داود سجستانی، ۱۴۳۰ق، ج: ۲۳: ۱۷۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۷: ۴۸ و ۴۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج: ۱۴: ۵۱ و ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج: ۲۰: ۱۷۳).

۳-۱-۵-۲. سه حصن (قلعه) از هشت حصن خیبر به نام‌های: کتیبه، وطیع و سلالم که چون با صلح فتح شده بودند، به عنوان «خالصه» و «فیء» در اختیار حضرت قرار گرفتند و وی آن‌ها را صدقه قرارداد و پنج حصن باقی مانده را میان مجاهدان تقسیم کرد. چنان که ابن شبه می‌نویسد: بخشی از سرزمین خیبر به نام‌های الوطیح و الکتیبه و سلالم را پیامبر ﷺ وقف کرد (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۱۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۰۲). ماوری و ابویعلی فراء نوشته‌اند: «فصارت هذه الحصون الثلاثة... خالصة لرسول الله فتصدق بها، فكانت من صدقاته» (ماوردی: ۲۹۷؛ ابن الفراء، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۰۳)؛ این قلعه‌های سه‌گانه جزو اموال خالص پیامبر گردیدند و حضرت آن‌ها را صدقه داد که جزو صدقات (موقوفات) پیامبر شدند.

۴-۱-۵-۲. فدک: سرزمینی که بدون جنگ فتح شد و خالصه رسول خدا گردید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶: ۱۰۲ و ۱۰۳) پیامبر آن را به دخترش حضرت فاطمه بخشید (ابن بابویه، ج ۱: ۲۳۳) می‌توان احتمال داد پیامبر اکرم ﷺ فدک را به عنوان وقف خاص در اختیار حضرت فاطمه (علیها السلام) و اولادش قرار داده باشد که در این صورت از موقوفات پیامبر اکرم ﷺ خواهد بود.

۵-۱-۵-۲. ثلث ارض وادی القری: که از اراضی یهود بود و در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گرفت و آن بزرگوار آن را از صدقات خویش قرارداد (نیشابوری، ج ۳: ۱۳۸۱).

۶-۱-۵-۲. موضعی در بازار (سوق) مدینه به نام «مهور» که عثمان در زمان حکومتش آن را به مروان اقطاع کرد. مردم این کار را بر عثمان خرده گرفتند و به او اعتراض کردند. مهزور که در بازار واقع بود نیز از ناحیه آن وجود مقدس بر مسلمانان وقف گردید (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲: ۲۴۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۱۷؛ اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵)

۷-۱-۵-۲. نخلستان بویره در قبا: این نخلستان در نزدیکی مدینه واقع بود و از اموال شخصی پیامبر اکرم به شمار می‌آمد، حضرت آن را بر فقرا وقف کرد (ابن اثیر، ج ۳: ۴۰۷).

۸-۱-۵-۲. مسجد النبی: رسول خدا زمین آن را از دوتا کودک یتیم خریداری کرد و تا روز

قیامت وقف مسلمانان نمود (ر.ک: حجیلی، ۱۴۳۰ ق: ۴۵).

۲-۶. موقوفات امیرالمومنین علی (علیه السلام)

۲-۶-۱. چشمه‌های ینبع: از جمله موقوفات امام علی (علیه السلام) صد چشمه آب در محلی به نام «ینبع» بود خود حضرت آن‌ها را با دستان مبارک خود حفر کرد و برای حاجیان خانه خدا وقف نمود (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴۱: ۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲: ۲۲۵؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۱۲۲) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که امام علی (علیه السلام) قریب ۱۰۰ حلقه چاه در ینبع حفر کرده بود (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۳: ۲۳).

مهم‌ترین چشمه‌ها و چاه‌های موقوفه امام علی (علیه السلام) در ینبع عبارت‌اند از:

الف. البُغیّیات، که این چشمه مشتمل بر چند چشمه دیگر به نام‌های: خیف الاراک، خیف لیلی، خیف بسطاس (سمهودی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۳۰)

ب. عین ابی نیزز؛ (همان)

ج. عین البحریر

د. عین نولا (ابن شبه نمیری، ج ۱: ۲۲۱)

ه. عین الحدث (همان: ۲۲۳)

۲-۶-۲. چشمه‌ها و آبادی‌های در وادی القری: امیرالمومنین در وادی القری موقوفات و صدقات فراوانی داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: الف. عین الموات؛ ب. عین الناقه؛ ج. عین سکر؛ د. عین البیره؛ ه. عین البیضاء؛ و. عین العصیبه؛ ز. وادی الترعه (همان، ج ۱: ۲۲۰-۲۲۳).

۲-۶-۳. مزرعه‌ای در نزدیکی مدینه: این مزرعه در جای به اسم «سویقه» واقع شده بود که امیرالمومنین (علیه السلام) آنجا را آباد کرد و برای فقرا وقف نمود (حموی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۸۶).

۲-۶-۴. خانه‌ها: از جمله موقوفات امیرالمومنین (علیه السلام) خانه‌های است که در مکان‌های

مختلف و برای اشخاص گوناگون وقف نمود بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. خانه امام در نزدیکی بقیع الغرقد (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۹۲).

ب. خانه‌ای در مدینه، این خانه در محله «بنی زریق» در شهر مدینه واقع است و حضرت آن را وقف نمود تا خاله‌هایش در آن سکنی داشته باشند و پس از آن‌ها در اختیار نیازمندان از مسلمانان باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۸۷).

۲-۶-۵. مساجد: امام علی (علیه السلام) مساجد زیادی را ساخت و وقف کرد. از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: الف. مسجد فتح در مدینه به یاد پیروزی بر عمر بن عبدود ب. مسجدی در برابر قبر حمزه، ج. مسجدی در میقات، د. مسجدی در کوفه، ه. مسجد جامع بصره، و. مسجد جامع آبادان (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۱۲۳).

۲-۶-۶. فقیرین: نام دو جاست در اطراف مدینه که حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) بخشیده و اصل این نام به معنی چاه یا حفیره‌ای است که برای به کار گذاشتن نخل حفر می‌کنند. ابن شبه در کتاب صدقات علی بن ابی طالب (علیه السلام) این مکان را جزو صدقات (موقوفات) امیرالمؤمنین (علیه السلام) ذکر کرده‌اند (حموی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۶۹؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۲۸).

۲-۶-۷. وادی الأخر: صحرائی است در «الرّجلاء» بین مدینه و شام، نیمی از آن از موقوفات آن حضرت و نیم دیگر متعلق به وراث بود (ابن شبه نمیری، ج ۱: ۲۳۴).

۲-۶-۸. اُدبیه: در صحرای «إصم» در اطراف مدینه واقع است (همان: ۲۲۲).

۲-۶-۹. اُدبیه: نام یکی از وادی‌های «قَبَلِیّه» در اطراف مدینه است. املاک و بردگان آنجا صدقه‌اند، چنانچه در وقفنامه عمومی آمده (حموی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۰۹).

۲-۶-۱۰. وادی الأسخن: صحرائی است در حدود «فدک» (ابن شبه نمیری، ج ۱: ۲۲۵).

۲-۶-۱۱. بئر الملک: چاهی در صحرای «قناة» واقع است (همان: ۲۲۳).

۶-۲-۱۲. البُعَيْبِغَةَ: چاهی است نزدیک «رشاء» در اطراف مدینه. از حضرت صادق (علیه السلام) از پدرش نقل شده که چون به علی (علیه السلام) پیدا شدن این چشمه را بشارت دادند، فرمود: وارث خشنود می گردد، آن گاه فرمود: وقف است بر مساکین و مسافرانی که خرجی راه ندارند و نیازمندان نزدیک (همان: ۲۲۰)

۶-۲-۱۳. ذاتُ کمات: چهار چاه است در «حزّة الرجال» به نام های «ذوات العشاء» و «قعین» و «معید» و «رعوان». در مجموع از جمله موقوفات آن حضرت است (ابن شبّه نمیری، ج ۱: ۲۲۴).

۶-۲-۱۴. وادی رعیه: صحرایی است در حدود «فدک» دارای نخل و اندکی آب که از کوه ریزش می کند (همان). مواردی که ذکر شد مهم ترین موقوفات امیرالمومنین (علیه السلام) است که در منابع اسلامی ثبت شده است. در ادامه درباره موقوفات امیرالمومنین (علیه السلام) به احادیثی نیز اشاره می شود. چنان که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) درباره موقوفات امام علی (علیه السلام) چنین آمده است: «امیرالمومنین (علیه السلام) با تلاش دستان خود هزار غلام، بلکه تعداد زیادی که قابل شمارش نیست در راه خدا آزاد نمود. شخصی خدمت حضرت بود و در نزد حضرت تعدادی هسته درخت خرما بود، سوال کرد یا ابوالحسن این ها چیست که نزد شماست؟ حضرت فرمودند: ان شاء الله ۱۰۰ اصله درخت خرما، سپس تمام آن هسته ها را در زمین کاشت و حتی یک دانه از آن ها را باقی نگذاشت و آن ها را وقف عام نمود. امام علی (علیه السلام) اموالی را در خیبر و وادی القری وقف نمود و همچنین اموالی در ابی نذر، بغیغه، ارباح، آرینه، رغد، رزین و ریاح بر مؤمنین وقف کرد و اکثر فرزندان فاطمه (علیها السلام) را که فرزندان امین و صالح بودند، به این کار مأمور کرد. حضرت ۱۰۰ عدد چاه آب در منطقه ینبع حفر و برای حاجیان خانه خدا وقف کرد که آثار آن ها تا الان موجود است؛ نیز در مسیر مکه به کوفه تعدادی چاه آب حفر و همچنین در شهر مدینه مسجد فتح را بنا کرد و در کنار قبر مطهر حضرت حمزه و در میقات و در کوفه مساجدی ساخت و نیز مسجد جامع بصره و آبادان را بنا نمود و باقیات الصالحات دیگری از خود به جای گذاشت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۴۱: ۳۲).

در وقفنامه حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) درباره دو مزرعه ابی نیزر و بغیغه ذکر شده است: علی بنده خدا، امیرالمومنین، مزرعه ابی نیزر و بغیغه را برای نیازمندان مدینه و کسانی که در راه مانده اند به عنوان صدقه قرار داد تا خداوند فردای قیامت چهره او را به آتش جهنم نسوزاند، لذا این ها قابل بخشش و خرید و فروش نمی باشند تا زمانی که به دست خدای متعال به عنوان وارث نهایی برسد (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۱۹).

امیرالمومنین (علیه السلام) پس از بازگشت از جنگ صفین درباره مصرف و اداره اموالش بعد از وفات چنین وصیت نمود: «این وصیتی است که بنده خدا علی بن ابوطالب امیرالمومنین نسبت به اموال شخصی خود، برای جلب رضای خداوند بیان کرده است تا خدای متعال بهشت جاویدان و آرامش و امنیت را در آخرت نصیبش گرداند. اداره این اموال به دست فرزندم حسن بی علی است تا به صورت شایسته از آن مصرف و آن را در راه خدا انفاق نمایند. اگر برای ایشان اتفاقی افتاد و فرزندم حسین در قید حیات بود پس از ایشان حسین اداره آن اموال را به عهده خواهد داشت و کار ایشان را ادامه خواهد داد. همانا پسران فاطمه و پسران علی، همه از این اموال به یک میزان سهم دارند. علت تقدم فرزندان فاطمه به خاطر رضای خدا، نزدیکی با رسول خدا، نگه داشتن احترام او و حرمت خویشاوندی رسول خداست. با افرادی که این اموال در اختیار او قرار دارد شرط می کنم که اصل سرمایه را نگه داشته و فقط ثمره اش را در راهی که بیان شده به مصرف برساند. اصل نهال های درخت خرما را به فروش نرساند تا تمام زمین یک دست درخت خرما شود و آباد گردد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۲۴: ۵۰۲). اینکه حضرت در نامه مذکور فرمودند اصل سرمایه و درختان را حفظ کنید و این ها قابل خرید و فروش و بخشش نیستند و فقط ثمره و میوه آن را انفاق نمایید این همان تعریف وقف اصطلاحی است و نشانگر آن است که حضرت این اموال را در راه خدا وقف نمودند.

۲-۷. موقوفات حضرت زهرا (علیها السلام)

۲-۷-۱. موقوفه «ام العیال» چشمه ای است که به برکت آن روستایی بزرگ در کنارش

ساخته شده، این روستا در نزدیکی قلعه‌های «آره» که بین راه مکه و مدینه است واقع شده، در آن روزگار بیش از ۲۰ هزار اصله نخل خرما داشته است و امروز هم در آنجا میوه‌های مختلف مانند: لیمو، انگور، موز به عمل می‌آید، «ام العیال» در ۱۷۰ کیلومتری مدینه منوره و ۵۶ کیلومتری شرق «سقیاء» قرار دارد (بلادی، ۱۴۳۱ ق، ج ۱: ۲۱).

عرام بن اصبح سلمی که شخصی مورد اطمینان است و در سال‌های ۲۷۵ قمری زندگی می‌کرده و در شناسایی منطقه «تهامه» از خبرگی ویژه‌ای برخوردار بود (زرکلی، ۱۹۸۰ م، ج ۴: ۲۲۳) می‌گوید: «ام العیال» قریه صدقه فاطمه الزهراء بنت رسول الله ﷺ، روستای ام العیال صدقه و موقوفه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دختر رسول خدا ﷺ است (بلادی، ۱۴۳۱ ق، ج ۶: ۱۹۴).

۲-۷-۲. موقوفه «حیطان سبعة» همان باغ‌ها و مزارع هفت گانه‌ای است که اطراف آن دیوار کشیده شده بود و بیشتر آن‌ها در منطقه «العوالی» و شرق مدینه منوره واقع شده بود. این باغ‌های هفت گانه عبارت‌اند از: «عواف، برقه، میثب، دلال، حسنی، صافیه و ام‌ابراهیم» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴۳: ۲۳۵).

شاید سوال شود باغ‌های هفت گانه مخیرق که توسط پیامبر اکرم ﷺ وقف و جزو موقوفات رسول اکرم ﷺ شمرده شد چرا دوباره جزو موقوفات حضرت زهرا (علیها السلام) نیز ذکر شده است؟ در جواب گفته می‌شود: امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمودند: رسول خدا آن‌ها را وقف بر فاطمه (علیها السلام) نمود و سپس فاطمه آن‌ها را بر بنی هاشم و بنی المطلب وقف نموده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۴۷ و ۴۸، ح ۱-۴).

در باره موقوفات حضرت زهرا (علیها السلام)، روایات فراوانی رسیده که به یک نمونه اشاره می‌شود: در روایتی از امام باقر (علیه السلام) وصیتی از حضرت زهرا (علیها السلام) چنین نقل شده است: به نام خدای بخشاینده بخشایشگر. این همان چیزی است که فاطمه بنت محمد ﷺ به آن وصیت نموده است. ایشان وصیت کرد که اداره باغ‌های هفتگانه یعنی: عواف، برقه، میثب، دلال، حسنی، صافیه و ام‌ابراهیم بر عهده علی فرزند ابوطالب (علیه السلام) باشد. هر وقت علی از دنیا رفت بر عهده حسن و بعد از ایشان بر عهده حسین و پس از ایشان بر عهده فرزند

بزرگ من باشد. خداوند بر این وصیت شاهد است و مقداد بن اسود کندی و زبیر بن عوام شاهدان عینی آن هستند و علی فرزند ابوطالب این (وصیت) را مکتوب کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۸۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۹۸).

۸-۲. موقوفات امام حسن مجتبی (علیه السلام)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) باغ‌ها و اموالی را که از طریق ارث به حضرت رسیده بود، در راه رضای خدا وقف کردند. این باغ‌ها در محله‌ای به نام نخاوله در مدینه به اسم باغ‌های «صفا» و «مرجان» نامیده می‌شد (جعفریان، ۱۳۷۹؛ شهیدی نسب، ۱۳۸۷).

۹-۲. موقوفات امام حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) نیز مانند برادر بزرگوارشان امام مجتبی (علیه السلام) باغ‌ها و اموالی را که از طریق ارث به ایشان رسیده بود در راه رضای خدا وقف کردند. این باغ‌ها در محله‌ای به نام نخاوله در مدینه به اسم باغ‌های «صفا» و «مرجان» نامیده می‌شد (همان) در حدیثی نقل شده است: حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) زمین‌ها و چیزهای دیگری را که به‌عنوان ارث مالک شده بود قبل از اینکه دریافت نماید در راه خدا وقف نمود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۳۹؛ سنن کبری، ج ۶: ۲۸۳).

۱۰-۲. موقوفات امام صادق (علیه السلام)

از منابع علوم اسلامی چنین برداشت می‌شود که امام صادق (علیه السلام) نیز در عمر پربرکت‌شان موقوفاتی داشتند. حضرت وصیت‌نامه خود فرمودند که هفت سال برای ایشان نوحه سرایی کنند و برای مراسم هر سال، اموالی را وقف کرد تا برای روضه خوانی هزینه گردد (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۷۴). در کتاب کافی محدث کلینی از یزید بن سلیط از امام کاظم (علیه السلام) چنین نقل شده است: «امام موسی کاظم (علیه السلام) وصیت کرد و ده

نفر شاهد وصیتش بودند... یک سوم موقوفات پدرم و یک سوم موقوفات خودم تولیتش با فرزندم هست...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۱۶). از این که امام موسی کاظم (علیه السلام) در وصیتنامه اش فرمود: یک سوم موقوفات پدرم تولیتش با فرزندم هست، نشانگر آن است که امام صادق (علیه السلام) هم دارای موقوفاتی بوده است.

۱۱-۲. موقوفات امام کاظم (علیه السلام)

امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز دارای موقوفاتی بوده است؛ در روایتی چنین نقل شده است: «این آن چیزی است که موسی بن جعفر وقف کرده که عبارت است از: زمین ایشان در فلان مکان و حدود جغرافیایی آن فلان است که به طور کلی: درخت‌های خرما، اصل زمین، قنات آن، آب آن، آسیاب آن، حریم آن، حق شرب آن و هر حقی که در جلو و پشت، پستی، بلندی، طول و عرض، میدان جلوی باغ، نهرهای بزرگ و کوچک، قسمت‌های آباد یا بایر زمین، وجود دارد همه را وقف نموده است. کسی که تولیت وقف را به عهده دارد، درآمد حاصل از آن را (بعد از کم کردن مخارج و نیازمندی‌های مزرعه و کسر ۳۰ عدد نخل خرما برای نیازمندان) در بین اولاد موسی برای پسرها دو برابر سهم دخترها تقسیم کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۳: ۳۱۴)؛ بنابراین طبق منابع اسلامی و اسناد تاریخی که به دست ما رسیده است معصومین (علیهم السلام) دارای موقوفات بوده و مقداری از منابع مالی خود را در راه خدا و برای کمک به خویشاوندان، نیازمندان و امثال آن وقف کرده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج زیر حاصل آمد:

۱. نهاد وقف و اعمال خیر خواهانه‌ای نظیر آن، از قدیم الایام به صورت مختلف در طول تاریخ بشریت و شرایع الهی وجود داشته است.
۲. وقف و موقوفات، امروزه در زندگی انسان‌ها مخصوصاً مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد

به طوری که نقش موثر آن‌ها در زندگی مردم انکارناپذیر خواهد بود و بدون در نظر گرفتن این امور، جامعه نقص مهمی خواهد داشت. این حکایت از اهمیت و نقش مهم این پدیده در زندگی بشر امروزیین دارد.

۳. با بررسی روایات نورانی معصومین (علیهم السلام) و مستندات تاریخی، این نتیجه حاصل می‌شود که قبل از اسلام، از منافع وقفیات و اعمال خیرخواهانه مشابه آن، معبدها، صومعه‌ها، آتشکده‌ها، موبدان و کاهنان و امثال آن‌ها اداره می‌شدند. بعد از اسلام هم موقوفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) انکارناپذیر است.

۴. در بررسی مستندات اسلامی و تاریخی نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است که اولین وقف در اسلام توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ثبت شده، همچنین برای دیگر معصومین (علیهم السلام) از جمله حضرت زهرا (علیها السلام)، امیرالمومنین، امام حسن و امام حسین، امام سجاد، امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام) موقوفاتی ثبت شده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). مترجم: محمد دشتی. چاپ پانزدهم. قم: انتشارات الهادی.
- آخته، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). تاریخ وقف در ایران و اسلام. یاد ایام. شماره ۵۳.
- ابن ابی الحدید. (۱۴۰۷ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالجمیل.
- ابن اثیر. (بی تا). اسد الغابه فی معرفة الصحابه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (بی تا). عیون أخبار الرضا. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. محقق: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. بیروت: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حزم. (بی تا). المحلی بالآثار. بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد. (۱۹۶۸م). طبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- ابن شبه نمیری. (بی تا). تاریخ المدینه المنوره. چاپ دوم. بی جا: حبیب محمد.
- ابن شهر آشوب. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب. قم: نشر علامه.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. بی جا: دارالفکر.
- ابن الفراء، أبو یعلی. (۱۴۲۱ق). الأحکام السلطانیة. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن کثیر. (۱۳۹۶ق). سیره النبویه. بیروت: دار المعرفه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث. (۱۴۳۰ق). سنن ابی داود. محقق: شعیب الأرئووط - محمّد کامل قره بللی. بیروت: دار الرسالۃ العالمیة.
- اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی. (۱۳۸۷ق). وقف یاران. مشهد: اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی.
- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۵۵). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران. بی جا: نشر اندیشه.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة. محقق: محمد تقی ایروانی و سید عبدالرزاق مرقم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بزار، ابوبکر. (۱۹۸۸م تا ۲۰۰۹م). بحر الزخار. مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحکم.
- بکری دمیاطی، عثمان بن محمد. (۱۴۱۸ق). إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین. بیروت: دارالفکر.
- بلادی، علق بن غیث. (۱۴۳۱ق). معجم معالم الحجاز. بیروت: مؤسسه الریان للطباعة و النشر و التوزیع.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). «جامعه شیعه در مدینه (نخاوله) (۳)». میقات حج. دوره ۹. شماره ۳۴. صص: ۲۴۸-۲۳۶.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۵۵ق). مجله الهدایة الاسلامیة. قاهره: شارع مجلس النواب.
- حبیبی، عبدالله بن محمد. (۱۴۳۰ق). الاوقاف النبویه و اوقاف خلفاء الراشدین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. محقق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.

- حلی، حسن بن یوسف مطهر. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، محمد بن احمد بن ادریس. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام. محقق: عبدالحسین محمد علی بقال. چاپ دوم. تهران: اسماعیلیان.
- حموی، یاقوت. (۱۳۸۰). معجم البلدان. مترجم: علی نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- خلعتبری تکابنی، هادی. (۱۳۵۰-۱۳۵۱). «وقف و سازمان اداری آن از ایران باستان تا حال»، پایان نامه. سال دفاع سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۰م). اعلام زرکلی. چاپ پنجم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- سینتا، عبدالحسین. (۱۳۶۶ق). تاریخچه اوقاف اصفهان. اصفهان: اداره کل اوقاف اصفهان.
- سمهودی، علی بن عبد الله. (۱۴۱۹ق). وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شافعی، محمد بن ادریس. (۱۴۱۰ق). الأم. بیروت: دار المعرفة.
- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
- شفیع العانی، محمد. (۱۳۷۵ق). احکام الاوقاف. بغداد: الشركة الاسلامیة للطباعة.
- شهیدی نسب، محمدباقر. (۱۳۸۷). «وقف سنت ماندگار». روزنامه رسالت. سه شنبه ۲۶ آذر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). مجمع البیان. چاپ چهارم. تهران: کتابفروشی اسلامی.
- طبری، أبو جعفر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری. چاپ دوم. بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- _____ (۱۳۹۰ق). الاستبصار. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (بی تا). اللمعة الدمشقیة. بی جا: دارالفکر.
- عاملی، محمدجواد. (بی تا). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. بی جا: احیاء التراث.
- عسکری، مرتضی. (بی تا). معالم المدرستین. تهران: مؤسسه بعثة.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: دارالهجرة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کبیری، محمد عبید. (۱۳۶۴). احکام وقف در شریعت اسلام. مترجم: احمد صادقی گلدر. ساری: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مازندران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: علی اکبر غفاری. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). أحكام السلطانیة. قاهره: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). بحار انوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ق). *الفقه علی المذاهب الخمسة*. چاپ دهم. بیروت: دار التیار الجدید- دار الجواد.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- منقری، نصر بن مزاحم. (بی تا). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). *جواهر الكلام*. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- نیشابوری، مسلم بن الحجاج. (بی تا). *صحيح مسلم*. محقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *المغازی*. محقق: جونز مارزدن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- یزدی، محمد کاظم. (۱۴۲۳ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.